مقالهٔ پژوهشی:

فراتحلیل روابط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی در بانک‌های اسلامی

✍ **محمدباقر شیرمهنجی** / کارشناس‌ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی m_shirmehenji@atu.ac.ir
محمدجواد نوراحمدی / استادیار گروه اقتصاد نظری دانشگاه علامه طباطبائی mjnourahmadi@atu.ac.ir
محمداسماعیل توسلی / دانشیار گروه اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی metavassoli@atu.ac.ir
دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

چکیده

روابط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بانک‌های اسلامی در تحقیقات تجربی قبلی، به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است. با این حال، نتایج به‌طور عمده به‌دلیل ناهمگنی نمونه‌های مورداستفاده برای تحقیقات تجربی، متفاوت است. برای تبیین و نتیجه‌گیری از این نتایج متفاوت، این مقاله نتایج حاصل از فراتحلیل مطالعات موجود، در مورد روابط بین پنج سازوکار حاکمیت شرکتی (استقلال اعضای هیئت‌مدیره، تعداد اعضای هیئت‌مدیره، هیئت نظارت شرعی، دوگانگی نقش مدیر و کمیته حسابرسی) و عملکرد مالی بانک‌های اسلامی را ارائه می‌دهد. بدین منظور، پس از بررسی محتوا و نتایج مطالعات منفرد براساس پروتکل فراتحلیل، هفده مطالعه برای ورود به تحلیل انتخاب و مطالعاتی که متناسب با پروتکل نبودند، یا اطلاعات آنها برای استخراج داده کافی نبود، حذف شدند. نتایج کمّی هفده مطالعه پس از استخراج و کدگذاری، برای ترکیب نتایج مورداستفاده قرار گرفتند. نتیجه ترکیب و برآیندگیری مطالعات نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی در صورت داشتن ۱) نسبت بیشتر مدیران مستقل در هیئت‌مدیره؛ ۲) هیئت نظارت شرعی بزرگ‌تر؛ ۳) اعضای هیئت‌مدیره بیشتر؛ ۴) دوگانگی نقش مدیرعامل؛ ۵) و کمیته حسابرسی، عملکرد مالی بهتری خواهند داشت.

کلیدواژه‌ها: حاکمیت شرکتی، عملکرد مالی، بانک‌های اسلامی، رویکرد فراتحلیل.

طبقه‌بندی JEL: G34, L25, Z12.

www.SID.ir

مقدمه

مجموعه‌ای از شکست‌ها در شرکت‌های بزرگ و بحران‌های مالی طی چند دهۀ گذشته، سؤالات بسیاری را در مورد سازوکارهای حاکمیتی در بانک‌ها، نهادهای مالی و شرکت‌ها ایجاد کرده و توجه سیاست‌گذاران و محققان را به خود معطوف کرده است. بسیاری از کشورهای پیشرفته، قوانین و مقررات حاکمیت شرکتی را وضع کردند. به‌عنوان مثال، قانون حاکمیت شرکتی انگلستان منتشرشده توسط شورای گزارشگری مالی در سال ۲۰۰۳، قانون ساربنز ـ آکسلی ایالات متحده در ۲۰۰۲ و اصول حاکمیت شرکتی بورس سهام استرالیا (۲۰۰۲). با این حال، اصول ذکرشده در این قوانین، عمدتاً از توصیه‌های مختلف دولت‌های کشورهای پیشرفته گرفته شده و ممکن است لزوماً برای همۀ کشورها مناسب نباشد. هر کشوری شرایط اجتماعی و اقتصادی منحصربه‌فرد خود را دارد؛ به این معنا که قوانین و مقررات خاصی که در یک کشور اعمال می‌شود، ممکن است در سایر کشورها قابل اجرا نباشد (حنیفه و حدیب، ۲۰۰۶). به‌همین‌ترتیب، بانک‌ها، نهادهای مالی و شرکت‌ها در هر کشور، تحت تأثیر عوامل مختلفی ازجمله فرهنگ، دین، تاریخ و اهداف قرار دارند. بنابراین، باید براساس جهان‌بینی خاص آن کشور، استراتژی‌های حاکمیت شرکتی را مدنظر قرار دهند. این امر، به‌ویژه در مورد بانک‌های اسلامی بسیار حائز اهمیت است.

برخی بانک‌های اسلامی، به‌دلیل نقض حاکمیت شرکتی سقوط‌های عمده‌ای داشته‌اند. مانند سقوط بانک اسلامی آفریقای جنوبی، در سال ۱۹۹۷ و کلاه برداری شرکتی که در بانک اسلامی دبی، در سال ۲۰۰۴ رخ داده است (اوست، ۲۰۱۸)؛ بنابراین، در بانک‌های اسلامی نیز همانند بانک‌های متعارف، موضوع حاکمیت شرکتی اهمیت دارد. حاکمیت شرکتی بانک‌های اسلامی، امکان اطمینان از اجرای انصاف را برای کلیۀ ذی‌نفعان از طریق اجرای قانون شریعت فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، ویژگی اصلی حاکمیت شرکتی یک بانک اسلامی، هدایت با اصول اقتصاد اسلامی و اطمینان از رعایت شرع است. ازاین‌رو، بررسی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و اثرگذاری آن بر عملکرد بانک‌های اسلامی، اهمیت می‌یابد. همچنین، بررسی مطالعات پیشین در حوزه حاکمیت شرکتی، نتایج متفاوتی را در مورد تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها ارائه می‌دهد.

در این راستا، این مطالعه با استفاده از روش فراتحلیل، ناهمگنی و تفاوت موجود در نتایج مطالعات قبلی را مدنظر قرار داده، با ترکیب نتایج این مطالعات، فرضیه‌های زیر را مورد آزمون قرار می‌دهد: ۱. بین استقلال اعضای هیئت مدیره و عملکرد مالی بانک های اسلامی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ ۲. وجود هیئت نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی، با عملکرد مالی آنها ارتباط مثبت و معناداری دارد؛ ۳. تعداد اعضای هیئت‌مدیره با عملکرد مالی بانک های اسلامی، ارتباط مثبت و معناداری دارد؛ ۴. دوگانگی نقش مدیرعامل (مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره نیز باشد)، عملکرد مالی بانک‌های اسلامی را بهبود می‌بخشد؛ ۵. حسابرسی با عملکرد مالی بانک‌های اسلامی، رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش این است که رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی (نسبت مدیران مستقل در هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره، هیئت نظارت شرعی، دوگانگی نقش مدیرعامل و کمیته حسابرسی) و عملکرد مالی بانک‌های اسلامی چگونه است؟

www.SID.ir

برای پاسخ به این پرسش، مقاله در پنج بخش سازمان دهی شده است. ابتدا مبانی نظری مربوط بـه روابـط بـین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بانک‌های اسلامی مطـرح مـی‌شـود. در ادامـه، بـه مطالعـات تجربـی پیشین در خصوص روابط مورد بررسی، می‌پردازیم. سپس، به فرایند اجرای فراتحلیل پرداختـه و براسـاس آن، نتـایج ترکیب مطالعات منفرد مشخص و تفسیر می‌شود. در بخش پایانی، پس از بیان محدودیت‌های مطالعه، نتیجـه‌گیـری مطالعه ارائه می‌شود.

مرور ادبیات و فرضیه‌های تحقیق

در بررسی ادبیات مربوط به موضوع تحقیق، برخی سازوکارهای مربوط به عملکرد مالی بانک‌های اسـلامی، از جمله استقلال هیئت مدیره، هیئت نظارت شرعی (SSB)، اندازه هیئت مـدیره، دوگـانگی نقـش مـدیرعامل و حسابرسی (AC) مشخص می‌شود. پنج فرضیه تحقیق، در مورد هر سازوکار حاکمیت شرکتی از ادبیات مربوط استخراج شده است.

استقلال اعضای هیئت مدیره

هیئت مدیره، به‌عنوان بخشی شناخته می‌شود که به‌طور قابل‌توجهی منافع کلیهٔ سهامداران شرکت را حفظ مـی‌کنـد. سهامداران در هیئت‌مدیره، توسط مدیران مستقل نمایندگی می‌شوند کـه بـه کـاهش و غلبـه بـر مسـائل نماینـدگی کمک می‌کند. افزون بر این، براساس تئوری نمایندگی، پیشنهاد می‌شـود کـه عـلاوه بـر اعضـای اجرایـی، مـدیران مستقلی در هیئت‌مدیره حضور داشته باشند. منظور از «مدیران مستقل»، مدیرانی است که انتخاب آنها برای ورود بـه هیئت مدیره، تصمیمات و فعالیت‌های اجرایی آنها، در طول عضویت در هیئت مـدیره، تحـت تـأثیر اهـداف سیاسـی نباشد. طبق این تئوری، وقتی هیئت مدیره مستقل باشد، این امر منجر بـه افـزایش نظـارت و کـاهش فعالیـت‌هـای منفعت‌طلبانه مدیران می‌شود. همچنین، وجود اعضای مستقل، می‌تواند با کنتـرل بهتـر مـدیریت و کـاهش تعـارض میان سرمایه گذاران، سهامداران و مدیران، عملکرد شرکت را بهبود بخشد. عـلاوه بـر ایـن مـوارد، *فـورکر* (Forker) (۱۹۹۲) بیان می‌کند که استقلال هیئت‌مدیره، با توجه به نقش کنترلی و نظـارتی آن، مـی‌توانـد شـفافیت و کیفیـت اطلاعات مالی افشاشده را بهبود بخشد.

مطالعات دیگری نیز دیدگاه نظریه نمایندگی در مورد حضور مدیران مستقل در هیئـت مـدیره را تأییـد مـی‌کنـد. مانند مطالعه *آلماتیری* و *کتاینا* (۲۰۱۷)، که معتقدند مدیران غیرموظف، نقش مهمی در سیاست‌های سازمانی دارنـد و شفافیت شرکت، با افزایش استقلال هیئت مدیره بهبود می‌یابد. علاوه بر این، مسئولیت اصلی آنان کمـک مـؤثر بـه توسعه استراتژی‌های شرکت و دستیابی به رشد پایدار، با تجزیه و تحلیل کارایی مدیریت است. بسـیاری از مطالعـات قبلی نشان می‌دهند که مدیران غیراجرایی، با توانایی هیئت مدیره در تصمیم‌گیری بهتر برای سـازمان ارتبـاط مثبـت

www.SID.ir

دارند. همچنین *مالک* و *مخدوم* (۲۰۱۶)، در این رابطه مطرح می‌کنند که مدیران مستقل، هنگام انجام وظایف نظارت، مشاوره و جلوگیری از تعارض منافع با بخش اجرایی، تعارض منافع کمتری دارند. ازاین‌رو، انتظار می‌رود که بین مدیران مستقل و عملکرد مالی بانک، پیوند مثبتی وجود داشته باشد. داشتن اعضای مستقل، نه‌تنها به بهبود عملکرد کمک می‌کند، بلکه منجر به حاکمیت مناسب‌تر می‌شود.

البته در برخی مطالعات، برخلاف دیدگاه نظریه نمایندگی، رابطه‌ای منفی بین استقلال اعضای هیئت مدیره و عملکرد مالی بانک وجود دارد. *اگراوال* و *نوبر* (۱۹۹۶) استدلال می‌کنند مدیرانی که فقط به دلایل سیاسی به عضویت هیئت‌مدیره درمی‌آیند، فاقد خبرگی و قدرت نظارت‌اند که اثر معکوس و منفی بر عملکرد واحد دارند. همچنین، بعضی ادبیات اقتصادی و مالی (آلچیان و دمستز، ۱۹۷۲؛ لیپتون و لورچ، ۱۹۹۲؛ جنسن، ۱۹۹۳) نشان می‌دهند که به دلیل پرهزینه بودن نقش نظارتی و هزینه بالای هماهنگی اعضای هیئت مدیره، اعضای غیرموظف (مستقل)، که درصد مالکیت کمتری نسبت به سایر اعضا دارند و به صورت دیگری با بانک سروکار ندارند، انگیزهٔ کمتری برای صرف زمان و اجرای نقش نظارتی خود دارند.

با این حال، گفته می‌شود که مدیران غیرموظف، باید بتوانند وظایف محوله خود را به‌عنوان اعضای مستقل هیئت‌مدیره، به طور مؤثر انجام دهند. در غیر این صورت، آنها قادر نخواهند بود از تصمیمات بی‌طرفانه استفاده کرده و آنها را منتقل کنند (فوزی، هلیم و ژولیزارما، ۲۰۱۶). مطالعه حاضر بر این نکته تأکید دارد که دیدگاه نظریه نمایندگی می‌تواند درست باشد؛ اگر اعضای مستقل هیئت‌مدیره دارای تخصص باشند و روند نظارتی خود را به دلیل اهداف سیاسی مخدوش نکنند. بنابراین، فرضیه اول مطالعه به شکل زیر مطرح می‌شود:

۱. بین استقلال اعضای هیئت مدیره و عملکرد مالی بانک‌های اسلامی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

هیئت نظارت شرعی (SSB)

هر نهاد مالی اسلامی، باید یک هیئت نظارت به نام «هیئت نظارت شرعی» (SSB) ایجاد کند که به‌عنوان یک لایه حاکمیتی عمل می‌کند. تفاوت اصلی بین بانک‌های متعارف و بانک‌های اسلامی از نظر حاکمیت، زیربنای اخلاقی و وجود هیئت‌های نظارت شرعی، در بانک‌داری اسلامی است. وجود این لایه حاکمیتی، زمینه را برای فعالیت بانک‌های اسلامی فراهم می‌کند تا براساس اصول و ارزش‌های تعیین‌شده در اسلام، هدایت شوند. بنابراین، نقش اصلی و اساسی هیئت نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی، تطابق عملکرد بانک با شریعت اسلامی است. علاوه بر این، به بیان *حسن* و *ملا* (۲۰۱۴)، هیئت نظارت شرعی به‌عنوان سازوکار کنترلی مستقلی در مهار هیئت مدیره یا سایر عوامل حکمرانی، از انجام بیش از حد فعالیت‌های ریسکی عمل می‌کند. همچنین، این هیئت به‌عنوان یک سازوکار حاکمیت داخلی، مدیریت را به شفافیت، ازجمله در افشای حاکمیت شرکتی، ترغیب می‌کند.

www.SID.ir

ازآنجاکه هدف اصلی تأسیس بانک اسلامی، تأمین فعالیت‌های مالی منطبق بر شریعت است، انتظار می‌رود سهامداران و پس‌اندازکنندگان یک بانک اسلامی، برای تحقق این هدف، بانک را تحت فشار قرار دهند. به‌عنوان نمونه، تصمیم سرمایه‌گذاری سهامداران تحت تأثیر اطمینان از انطباق شرعی بودن فعالیت‌های بانک و سود حاصل از آنها قرار دارد. افزون بر این، سرمایه‌گذاران نهادی، که معمولاً سهم عمده‌ای از سهام یک شرکت را در اختیار دارند، از قدرت رأی خود برای تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌ها و عملیات تجاری استفاده می‌کنند که بازدهٔ مثبت سرمایه‌گذاری آنها را فراهم می‌کند. درحالی‌که از رعایت جنبهٔ شرعی و اخلاقی فعالیت بانک، اطمینان حاصل می‌کنند (لی، ارمسترونگ و کلارک، ۲۰۱۴). در این مورد، *مگ‌الهیس و السعد* (۲۰۱۳) مطرح کردند که یکی از چالش‌های بانک‌های اسلامی، نیاز ذی‌نفعان به اطمینان از این است که نهادهای مالی اسلامی، ارائه‌دهنده خدمات کارآمد، پایدار، قابل اعتماد و مطابق با قوانین اسلامی می‌باشند.

برای اطمینان از حفظ اعتبار بانک مطابق با انتظارات سهامداران، هیئت نظارت شرعی بر مدیریت نظارت می‌کند و آنها را ملزم می‌کند که به آنها گزارش دهند که فعالیت‌های بانک، مطابق با شریعت است. این وظایف، با کمک هیئت مدیره شرعی خارجی و مستقل انجام می‌شود که متشکل از افراد متخصص، در زمینهٔ شریعت و دانش مربوط به فقه معاملات است. نتیجه‌گیری‌های انجام‌شده توسط هیئت نظارت شرعی، براساس نتایج بررسی انطباق شرعی در گزارش شرعی، که سالانه به همراه صورت‌های مالی بانک صادر می‌شود، منتشر می‌شود (لی، ارمسترونگ و کلارک، ۲۰۱۴). هیئت نظارت شرعی، علاوه بر تصویب مصوبات و مشورت با هیئت مدیره در مورد جنبه‌های شرعی عملیات بانکی اسلامی، بر شرعی بودن اجرای قراردادها و اجرای مصوبات شورا نظارت می‌کند. این هیئت می‌تواند فعالیت‌هایی را که خلاف شرع می‌باشند، متوقف کند. به‌طورکلی، براساس ادبیات موجود می‌توان این‌گونه استدلال کرد که وجود هیئت نظارت شرعی، در ساختار حاکمیت بانک‌های اسلامی، قابلیت اطمینان، اعتبار و مشروعیت بانک‌های اسلامی را بهبود می‌بخشد و از طریق کسب اطمینان و اعتماد سهامداران و پس‌اندازکنندگان، می‌تواند عملکرد مالی بانک را بهتر کند. بنابراین، دومین فرضیه این مطالعه به شکل زیر ارائه می‌شود:

۲. وجود هیئت نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی، با عملکرد مالی آنها ارتباط مثبت و معناداری دارد.

اندازه هیئت مدیره

از بین همهٔ سازوکارهای حاکمیت شرکتی، هیئت مدیره، به‌ویژه ترکیب هیئت‌مدیره و اندازه آن، بیشتر از سایر سازوکارها چالش‌برانگیز است. با این حال، هنوز یک پاسخ تأییدی برای رابطه بین اندازه هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت‌های کوچک، مشخص نشده است. نظریهٔ نمایندگی استدلال می‌کند که یک هیئت مدیره کوچک‌تر موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های مبادله مرتبط با مشکل تفکر گروهی و هزینه‌های غیرضروری مرتبط برای رسیدن به

www.SID.ir

اتفاق‌نظر می‌شود. درحالی‌که نظریه وابستگی به منابع، ادعا می‌کند که یک هیئت مدیره بزرگ‌تر، نه‌تنها عملکرد نظارت بر هیئت‌مدیره را فراهم می‌کند، بلکه منابع بانک اسلامی را در قالب مجموعه تخصص و منابع آنها غنی می‌کند (همان). براساس دو نظریه مذکور، دو دیدگاه در مورد تأثیر اندازه هیئت‌مدیره بر عملکرد مالی بانک‌ها مطرح شده است. در دیدگاه طرف‌داران هیئت مدیره بزرگ، *یرماک* (۱۹۹۶)، استدلال می‌کند که افزایش تعداد مدیران، اعضای هیئت مدیره، به افزایش تجربه و تخصص در شرکت کمک می‌کند که به نوبه خود، می‌تواند کیفیت اطلاعات افشاشده را بهبود بخشد. *المصلی و اسماعیل* (۲۰۱۲)، براساس نظریه وابستگی به منابع بیان می‌کنند که تعداد مدیران بیشتر، تمایل دارند که از طریق متنوع‌سازی مهارت‌ها و زمینه‌های تخصصی خود، توانایی پردازش اطلاعات هیئت مدیره را افزایش دهند. در دیدگاه مخالفان، افزایش تعداد اعضای هیئت مدیره، براساس نظریه نمایندگی باعث بروز مشکلاتی می‌شود. *جنسن* (۱۹۹۳)، استدلال می‌کند که با افزایش اندازه هیئت مدیره، توانایی هیئت مدیره در نظارت بر مدیریت، به دلیل افزایش زمان تصمیم‌گیری، کاهش می‌یابد. هیئت‌های دارای تعداد بیش از حد اعضا، منجر به مشکلات هماهنگی، کنترل و انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری می‌شوند. همچنین، هیئت مدیره بزرگ به دلیل کنترل بیش از حد مدیرعامل به کارآیی شرکت، آسیب می‌رساند (آیزنبرگ و همکاران، ۱۹۹۸). عدنان و همکاران (۲۰۱۱)، دریافتند که یک هیئت مدیره بزرگ‌تر، به دلیل سرعت پایین تصمیم‌گیری، کارآیی کمتری دارد. بنابراین، دستیابی به اجماع در سازمان را دشوار می‌کند.

به‌طورکلی، اگر افرادی که وارد هیئت مدیره می‌شوند، افرادی با تخصص و تعهد باشند، یک هیئت مدیره بزرگ‌تر عملکرد نظارتی این هیئت را ارتقا می‌دهد. همچنین، به دلیل وجود مجموعه تخصص و تجربه بیشتر به همراه تنوع در مهارت‌ها و زمینه‌های تخصصی، تصمیمات بهینه‌تر و مناسب‌تری اتخاذ می‌کند. بنابراین، در این مطالعه نظریه وابستگی مدنظر قرار می‌گیرد و سومین فرضیه این مطالعه به شکل زیر ارائه می‌شود:

۳. اندازه هیئت مدیره با عملکرد مالی بانک‌های اسلامی ارتباط مثبت و معناداری دارد.

دوگانگی نقش مدیرعامل

نقش دوجانبه مدیرعامل و رئیس، یکی از ویژگی‌های اصلی قدرت داخلی است و شاخص ضعف حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود (لارکر و همکاران ۲۰۰۷). وقتی مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره نیز باشد، دوگانگی وجود دارد. طبق نظریه نمایندگی، این دوگانگی برای مدیرعامل، قدرت فردی ایجاد می‌کند که می‌تواند بر نقش کنترل‌کنندگی توسط هیئت مدیره تأثیر بگذارد. از این نظر، دوگانگی می‌تواند کیفیت افشاگری را کاهش دهد. علاوه بر این، نظریهٔ نمایندگی نشان می‌دهد که دوگانگی مدیرعامل، قدرت بیشتری به مدیرعامل می‌دهد که خود می‌تواند استقلال هیئت مدیره را تهدید کند و یا عملکرد کنترلی و نظارتی هیئت مدیره را تحت تأثیر قرار دهد(گراسا و چاکرون، ۲۰۱۶).

www.SID.ir

بااین‌حال، برخلاف پیش‌بینی نظریهٔ نمایندگی و با توجه به فرض همخوانی سود شخصیت مسلط (منظور از شخصیت مسلط فردی است که هم‌زمان مناصب مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره را بر عهده دارد) در بانک با سهامداران دیگر، وجود چنین شخصیتی می‌تواند منجر به افزایش سطح افشای داوطلبانه اطلاعات شود (مورک و دیگران، ۱۹۸۸). این فرض ادعا می‌کند که موقعیت رهبری، شخص مسلط را قادر می‌سازد تا از نزدیک شرکت را بشناسد و با آگاهی بیشتر از منافع سهامداران، آن را هدایت کند. این فرض، نشان می‌دهد که بین منافع شخصیت مسلط و منافع سهامداران، یک همگرایی وجود دارد. در این حالت، مدیرعامل بانک‌ها، که از مزیت اطلاعاتی بهره‌مند می‌شود، تمایل دارد سطح افشای داوطلبانه اطلاعات را در گزارش‌های سالانه، بالا ببرد (گراسا و چاکرون، ۲۰۱۶).

براساس آنچه مطرح شد، مشخص است که دو دیدگاه متفاوت در مورد دوگانگی نقش مدیرعامل وجود دارد. در این مطالعه، اگر فرض همگرایی منافع شخصیت مسلط و منافع سهامداران برقرار باشد، مدیرعامل که رئیس هیئت مدیره نیز بوده دسترسی گسترده‌تری به اطلاعات شرکت دارد، می‌تواند عملکرد بهتری داشته باشد و سطح افشای داوطلبانه اطلاعات را بالا ببرد. بنابراین، در مورد بحث دوگانگی نقش مدیرعامل، فرضیه زیر در نظر گرفته می‌شود:

۴. دوگانگی نقش مدیرعامل (مدیرعامل رئیس هیئت مدیره نیز باشد)، می‌تواند عملکرد مالی بانک های اسلامی را بهبود بخشد.

حسابرسی

کمیته حسابرسی (AC)، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حاکمیتی است که وظیفه اطمینان از تولید اطلاعات مرتبط، کافی و معتبر توسط یک بانک را دارد که به موقع برای سهامداران، بستانکاران، سرمایه‌گذاران و سایر سهامداران منتشر می‌شود (سرکار و همکاران، ۲۰۱۲). بانک‌هایی که AC بیشتری دارند، متعهد می‌شوند که ببینند یک فرایند حسابداری با کیفیت در حال انجام است. در نتیجه، یک AC بزرگ‌تر، می‌تواند به سطح شفافیت بالاتری منجر شود. بنابراین، نظارت قوی ایجاد می‌کند (اندرسون، مانسی و ریب، ۲۰۰۴). *دی آنجلو* (۱۹۸۱)، کیفیت حسابرسی را به این صورت تعریف می‌کند: احتمال کشف و گزارشگری اشتباه‌های با اهمیت در صورت‌های مالی. وی نتیجه می‌گیرد که کمیته‌های حسابرسی بزرگ‌تر، انگیزهٔ عرضهٔ سطوح بالاتر کیفیت حسابرسی را دارند. او استدلال می‌کند که اندازهٔ کمیتهٔ حسابرسی نشان‌دهندهٔ کیفیت حسابرسی است.

دین اسلام، معامله تجاری را تشویق می‌کند که اطمینان‌دهنده معاملات مالی منصفانه و درست بین همدیگر و پاسخ‌گویی نهایی به خداوند است. قرآن، به ما رفتار اخلاقی را برای سروکار داشتن با این اصل نشان می‌دهد:

ـ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که تعهدی را تا مدت معینی به خاطر گرفتن وام یا داد و ستد به یکدیگر بر عهده گرفتید، آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای سند آن را در میان خودتان به عدالت نگارد...» (بقره: ۲۸۲).

www.SID.ir

ـ «ما باید ترازوهای عدالت را برای روز حساب قرار دهیم و به هیچ نفسی ظلمی نمی‌شود و اگر وزنی به اندازه دانه خردل هم وجود داشته باشد، آن را به حساب می‌آوریم و حسابرسی همهٔ آنها برای ما کاری ندارد» (انبیاء: ۴۷).

این آیات به‌روشنی دستور می‌دهند که مبادلات در هر معاملهٔ تجاری، باید به وسیلهٔ فرد عادلی که دارای رفتار اخلاقی متعالی باشد و بتواند نسبت به همهٔ گروه‌ها انصاف را رعایت کند، نوشته شود. به علاوه، این امر نشان می‌دهد که تجارت باید با روش منصفانه و صادقانه‌ای صورت بگیرد. دارایی‌ها نباید غصبی باشند و باید به روش قانونی کسب شوند. بنابراین، هر معاملهٔ مالی باید در ترازنامه‌ها بیان شود و به‌طورکلی، هر دارایی غیرقانونی، ممنوع است (ابوتپانجه، ۲۰۰۹). به‌طورکلی، می‌توان گفت: حسابرسی رعایت شریعت را تسهیل می‌کند و بانک‌های اسلامی را به تصویب قوانین گزارشگری مالی مناسب و اقدامات مناسب ترغیب می‌کند. بنابراین، فرضیه مربوط به این سازوکار حاکمیت شرکتی به این صورت مطرح می‌شود:

۵. حسابرسی با عملکرد مالی بانک‌های اسلامی، رابطه مثبت و معناداری دارد.

پیشینه پژوهش

رحیمیان، محمدی و *صالحی‌راد* (۱۳۹۲)، پس از بررسی ویژگی‌های خاص سیستم بانکی به بررسی تجربی تأثیر سه دسته سازوکارهای حاکمیت شرکتی (ساختار مالکیت، ساختار هیئت مدیره و حسابرسی)، بر عملکرد بانک‌های ایرانی می‌پردازند. یافته‌های حاصل از بررسی اطلاعات مربوط به بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در بازهٔ زمانی ۱۳۸۵ـ۱۳۹۰، با استفاده از الگوی داده های تابلویی، با اثرات تصادفی، نشان می‌دهد که سازوکارهای حاکمیت شرکتی، به‌طورکلی بر عملکرد بانک‌ها (ROA) مؤثر است. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که درصد مالکیت سهامداران عمده، رابطهٔ مثبت و معناداری با عملکرد بانک دارد. همچنین، بین تفکیک وظایف مدیرعامل از هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی با عملکرد بانک، رابطهٔ منفی و معناداری وجود دارد. از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین اندازهٔ هیئت مدیره و درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره با عملکرد بانک، رابطهٔ معناداری وجود ندارد.

ثیری و همکاران (۱۳۹۵)، در مطالعهٔ خود تأثیر شاخصه‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در دورهٔ زمانی ۱۳۸۸ـ۱۳۹۳، مورد آزمون تجربی قرار داده‌اند. در این پژوهش، سازوکارهای حاکمیت شرکتی، ازجمله دوگانگی نقش مدیرعامل، نسبت مدیران غیرموظف، نسبت سهام در تملک اعضای هیئت مدیره، سهامداران نهادی و اندازه هیئت مدیره، به‌عنوان متغیر مستقل و بازدهٔ دارایی‌ها (ROA) و بازدهٔ حقوق صاحبان سهام (ROE)، به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. روش مورد استفاده در این مطالعه، روش رگرسیون چندگانه می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بین نسبت مالکیت مدیریتی و سودآوری بانک‌ها (ROA و ROE)، رابطه معنادار وجود دارد. ولی بین سایر متغیرهای مستقل و سودآوری بانک‌ها، رابطه معنادار وجود ندارد.

www.SID.ir

تقی نتاج، بحری ثالث و *قادری* (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌ها؛ با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت افشاء»، با استفاده از مدل‌های رگرسیونی با داده‌های ترکیبی برای دوره زمانی ۱۳۸۹ـ۱۳۹۵، به مطالعه رابطهٔ بین حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بانک‌ها پرداخته‌اند. نمونهٔ آماری این مطالعه، شامل کلیه بانک‌های خصوصی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های این تحقیق، نشان می‌دهد که کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی، تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد، ولی کیفیت افشاء، تأثیر معناداری بر تعامل کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بانک‌ها ندارد.

توومار و *بینو* (۲۰۱۲)، براساس نمونه چهارده بانک عرضه‌شده در بازار بورس اوراق بهادار عمان، در طول دوره ۱۹۹۷ـ۲۰۰۶، با استفاده از تحلیل رگرسیون خطی، تأثیر حاکمیت شرکتی؛ یعنی ساختار مالکیت، ترکیب هیئت مدیره و اندازه هیئت مدیره بر عملکرد مالی بانک‌ها (ROA و ROE) را بررسی می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که ساختار مالکیت و ترکیب هیئت مدیره، تأثیر زیادی بر عملکرد بانک دارند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که بانک‌های دارای اکثریت مالکیت نهادی، بالاترین عملکرد را دارند و با افزایش درصد مالکیت مدیر و اعضای هیئت مدیره، بانک از کارآیی بیشتری برخوردار می‌شود. ولی اندازه هیئت مدیره تأثیری بر عملکرد بانک ندارد.

لی، ارمسترونگ و *کلارک* (۲۰۱۴)، برای بررسی روابط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی در بانک‌های اسلامی، از روش فراتحلیل استفاده کرده‌اند. مطالعه آنها با ترکیب ۱۲ مطالعه منفرد، نتیجه می‌کند که سازوکارهای حاکمیت شرکتی (استقلال اعضای هیئت‌مدیره، اندازه هیئت نظارت شرعی، اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و حسابرسی)، با عملکرد مالی بانک‌های اسلامی، رابطهٔ مثبت و معناداری دارد.

نسوشن و *نصریزال* (۲۰۲۰)، در مقالهٔ خود به بررسی روابط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بانک‌ها در نه بانک اسلامی کشور اندونزی، در دوره زمانی ۲۰۱۳ـ۲۰۱۷ پرداخته‌اند. آنها با روش رگرسیون چندگانه، فرضیه‌های مطالعه خود را آزمون کرده‌اند. نتیجه این مطالعه، نشان می‌دهد که سازوکارهای حاکمیت شرکتی شامل مالکیت نهادی، استقلال هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره، اندازه هیئت نظارت شرعی و کمیته حسابرسی، بر عملکرد مالی بانک‌ها (ROA) تأثیر نمی‌گذارد.

اسلم و *هارون* (۲۰۲۰)، با استفاده از داده‌های ۱۲۹ بانک اسلامی، از ۲۹ کشور اسلامی (خاورمیانه، آسیای جنوبی و جنوب شرقی آسیا)، در دوره زمانی ۲۰۰۸ـ۲۰۱۷، به بررسی روابط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی (شامل: حسابرسی، اندازه هیئت نظارت شرعی و اندازه هیئت مدیره) و عملکرد مالی بانک‌ها (ROA و ROE) پرداخته اند. روش مورد استفاده در این مقاله، GMM می‌باشد. یافته ها نشان می‌دهد که کمیتهٔ حسابرسی و هیئت نظارت شرعی، تأثیر مثبتی بر عملکرد بانک‌های اسلامی دارند. با این حال، هیئت مدیره و اندازه آن، تأثیر منفی و معنی‌داری بر عملکرد مالی این بانک‌ها دارند.

www.SID.ir

مروری بر پیشینه داخلی و خارجی، در مورد روابط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بانک‌ها، نشان از وجود نتایج متناقضی در این مطالعات دارد. استفاده از روش فراتحلیل در مطالعات حاکمیت شرکتی، تنها در یک مورد (لی، ارمسترونگ و کلارک، ۲۰۱۴) انجام شده و مورد دیگری یا وجود ندارد، یا منتشر نشده است. تفاوت این مطالعه، با مطالعه فراتحلیل پیشین، در این است که با در نظر گرفتن مطالعات منفرد جدیدتر و حجم گسترده‌تری از مطالعات، نتایج فراتحلیل قبلی را به‌روزرسانی کرده است.

روش پژوهش

در این مطالعه، برای بررسی روابط سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی در بانک‌های اسلامی، از روش فراتحلیل استفاده شده است. *گلاس* (۱۹۷۶)، فراتحلیل را (تحلیلِ تحلیل‌ها) می‌داند و آن را به‌عنوان ترکیب نتایج از مطالعات مستقل، به‌منظور منسجم ساختن یافته‌های آن تعریف می‌کند و بیان می‌کند که یک فراتحلیل از یک گروه از مطالعات با فرضیه‌های مشترک، یا تعریف عملیاتی مشترک از متغیرهای مستقل و وابسته تشکیل شده است.

فرآیند اجرای روش فراتحلیل در این مطالعه

برای انجام فراتحلیل، پس از تعریف و تعیین موضوع، برای دستیابی به مطالعات مربوط به موضوع، جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی انجام می‌شود. سپس، مطالعات براساس معیارهای مشخص غربال می‌شوند و مطالعات منفرد مناسب، برای ورود به فراتحلیل انتخاب می‌شوند. در مرحله بعد، نتایج کمّی مطالعات استخراج و کدگذاری می‌شود. در ادامه این نتایج، با هم ترکیب شده و اندازه اثر متوسط (Average Effect Size) حاصل می‌شود. نهایتاً، اندازه اثر متوسط تفسیر می‌شود و در پاسخ به مسئله پژوهش نتیجه‌گیری می‌شود. به‌طورکلی، فرایند اجرای روش فراتحلیل در این مطالعه شامل پنج مرحله تعریف موضوع و سؤال پژوهش، استراتژی جست‌وجو، غربالگری مطالعات، استخراج اطلاعات و تحلیل آماری و ارائه و تفسیر آن می‌شود که در ادامه، فرایند هر مرحله تبیین خواهد شد.

الف. تعریف موضوع و سؤال پژوهش

همان‌گونه که بیان شد، روابط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بانک‌های اسلامی، در تحقیقات تجربی قبلی به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است. با این حال، نتایج مطالعات مختلف در این حوزه، به دلیل ناهمگنی نمونه‌های مورداستفاده، مشخصات مدل و برآوردگرهای مورداستفاده، متفاوت است. با توجه به تعارض موجود میان نتایج مطالعات، سؤال اصلی پژوهش این است که برایند نتایج مطالعات تجربی حوزهٔ حاکمیت شرکتی، چه رابطه‌ای بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی (شامل استقلال اعضای هیئت‌مدیره، اندازه هیئت نظارت شرعی، اندازه هیئت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و حسابرسی) و عملکرد مالی بانک‌های اسلامی را نتیجه می‌دهد؟

www.SID.ir

ب. استراتژی جست‌وجو

برای پرداختن به مسئله پژوهش و انجام فراتحلیل، این مطالعه بـه طـور سیسـتماتیک، همـهٔ شـواهد تجربـی قابـل دستیابی از تعدادی از منابع پایگاه داده، که در زیر مشخص شده، را مرور می‌کند. بدین منظور، ابتدا مطالعـات مربـوط به موضوع پژوهش جست‌وجو می‌شود. مطالعات مدنظر این فراتحلیل، محدود به اینترنت می‌باشند که از پایگـاه‌هـای اطلاعـاتی گوگـل اسـکالر (Google Scholar)، ری سـرچ گیـت (ResearchGate)، اکادمیـا (Academia) و اسکوپوس(Scopus) استخراج شده‌اند. جست‌وجوی این مطالعات با کلیدواژه‌های («هیئـت مـدیره»، «انـدازه هیئـت مدیره»، «استقلال هیئت مدیره»، «هیئت نظارت شرعی»، «دوگـانگی مـدیرعامل»، «حسابرسـی»، «ویژگـی‌هـای هیئت مدیره»، «حاکمیت» و «حاکمیت شرکتی») همراه با «بانـک‌هـای اسـلامی»، «نهادهـای مـالی اسـلامی» و معادل انگلیسی آنها انجام شده است.

ج. معیارهای انتخاب و ارزیابی کیفیت مطالعات

انتخاب مطالعات مناسب برای ورود به فراتحلیل و استخراج اطلاعات آنها، یکی از مهم‌ترین مراحل فراتحلیـل اسـت که باید قاعده‌مند و براساس چارچوب معین انجام شود. برای اجرای این مهم، ابتدا عناوین همهٔ مقـالات جسـت‌وجـو شده در پایگاه‌های اینترنتی فهرست شدند. سپس، مقالات با عناوین تکراری از انتخاب‌ها خارج شدند. در مرحله بعـد، عناوین مقالات با توجه به کلیدواژه‌های مدنظر بررسی شدند و عنوان‌های نامرتبط کنار گذاشته شدند. در ادامـه، پـس از بررسی چکیده مقالات برای انتخاب مطالعات مدنظر فراتحلیل، ایـن مطالعـات براسـاس پروتکـل فراتحلیـل مـورد غربالگری قرار گرفتند.

با توجه به اینکه تمرکز این مطالعه بر روی روابط سازوکارهای حاکمیـت شـرکتی و عملکـرد مـالی بانـک‌هـای اسلامی است، معیارهای زیر، پروتکل فراتحلیل برای انتخاب مطالعات منفرد را تشکیل می‌دهد:

ـ مقاله یک مطالعه تجربی است که شامل یک رگرسیون یا یک تجزیه و تحلیل همبستگی است.

ـ نمونه مورد استفاده در تحقیقات تجربی، باید گروهی از بانک‌های اسلامی باشد، یـا دارای حـداقل یـک گـروه اسلامی باشد که اندازهٔ اثر آن، جداگانه گزارش شده یا می‌توان آن را محاسبه نمود.

ـ سازوکارهای حاکمیت شرکتی، باید به صورت متغیرهای جداگانه‌ای و قابل شناسایی باشد.

ـ متغیر مربوط به عملکرد مالی، به‌عنوان متغیر وابسته مطالعه باشد.

ـ متن کامل مقاله باید قابل دستیابی باشد.

د. استخراج اطلاعات

با جست‌وجوی کلیدواژه‌های مربوط به موضوع در پایگاه‌های اطلاعاتی، تعداد ۱۸۰۰۰ مطالعه یافت شـد. سـپس، بـا بررسی و فیلتر عنوان این مقالات و کنار گذاشتن عنوان‌های نامرتبط، تعداد ۲۹۶ مقاله حاصـل شـد (تـا ایـن مرحلـه

www.SID.ir

مقالات با استفاده از ابزارهای جست‌وجوی پیشرفته پایگاه‌های اطلاعاتی فیلتر شدند). در ادامه، با بررسی چکیده مقالات (با محوریت بررسی روابط سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی)، تعداد ۶۷ مطالعه، که در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش بودند، استخراج و کدگذاری شدند. پس از قرار دادن این مطالعات در پروتکل فراتحلیل و بررسی متن کامل مطالعات، مطالعات نامناسب برای ورود به فراتحلیل و مطالعات با اطلاعات ناکافی برای محاسبه اندازه اثر کنار گذاشته شدند. سرانجام تعداد ۱۷ مطالعه نهایی برای ورود به فراتحلیل و استخراج اطلاعات انتخاب شدند.

اطلاعات استخراج‌شده از مطالعات، براساس متغیرهای مطالعه در صفحه گسترده اکسل مرتب شدند. متغیرهای مدنظر این فراتحلیل، در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: توضیح متغیر

ردیف	نماد	متغیر	توضیحات
۱	BODSZ	اندازه هیئت مدیره	تعداد اعضای هیئت مدیره
۲	FINAN	عملکرد مالی	نسبت Q توبین، بازده دارایی (ROA)، نرخ بازگشت سرمایه (ROI)
۳	BODIN	استقلال هیئت مدیره	درصد مدیران مستقل در هیئت مدیره
٤	SSB	هیئت نظارت شرعی	اندازه SSB، درصد اعضای SSB در ۲۰ رتبه برتر
٥	DUAL	دوگانگی مدیریت	دو وظیفه مدیرعاملی و رئیس هیئت مدیره توسط دو شخص انجام پذیرد.
٦	AUDIT	حسابرسی	این که آیا شرکت از خارج حسابرسی شده است یا خیر.

منبع: اطلاعات پژوهش

اطلاعات مستخرج از ۱۷ مطالعه منتخب، شامل ۱۸ رگرسیون و ۲۶ ضریب برای رابطهٔ بین اندازه هیئت مدیره و عملکرد مالی، ۶ رگرسیون و ۱۲ ضریب، برای رابطهٔ بین استقلال هیئت مدیره و عملکرد مالی، ۲۳ رگرسیون و ۲۹ ضریب برای رابطهٔ بین اندازه هیئت نظارت شرعی و عملکرد مالی، ۸ رگرسیون و ۱۲، ضریب برای رابطهٔ بین دوگانگی مدیریت و عملکرد مالی و ۹ رگرسیون و ۱۱ ضریب، برای رابطهٔ بین حسابرسی و عملکرد مالی، بودند که کدگذاری شدند. در این مرحله علاوه بر استخراج داده های هریک از مطالعات و کدگذاری آنها، این داده ها به نرم‌افزار CMA وارد شدند.

هـ. تجزیه و تحلیل آماری

پیش از ترکیب نتایج مطالعات، یکی از مسائل مهمی که باید در هر فراتحلیل مورد توجه قرار گیرد، بررسی ناهمگنی مطالعات برای انتخاب مدل اثرات ثابت یا اثرات تصادفی است. در مدل اثرات ثابت، فرض بر این است که همهٔ مطالعات منفرد دارای یک اندازه اثر مشترک (واقعی) می‌باشند. در این مدل، اندازه اثرات یکی می‌باشند و تنوع اندازهٔ اثر مشاهده‌شده از مطالعه‌ای به مطالعه دیگر، به‌دلیل خطای تصادفی هر مطالعه می باشد. برخلاف مدل اثرات ثابت در مدل اثرات تصادفی، فرض بر متفاوت بودن اندازهٔ اثر جوامع آماری مورد مطالعه در فراتحلیل است. همچنین،

www.SID.ir

وزن مطالعات در مدل اثرات ثابت، نسبت به مدل اثرات تصادفی تفاوت بیشتری دارند. بنابراین، اگر براساس تحلیل ناهمگنی رویکرد اثرات ثابت، یا اثرات تصادفی انتخاب شود، وزن مطالعات به طور قابل‌توجهی متفاوت خواهد شد و این تغییر وزن، کلیه نتایج بعدی فراتحلیل را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بنابراین، اهمیت تحلیل ناهمگنی روشن می‌شود (بورنشتاین و همکاران، ۲۰۱۱). جدول (۲) نتایج دو آزمون Q کوکران و مجذور I را برای بررسی ناهمگنی بین مطالعات گزارش می‌دهد.

جدول ۲: نتایج آزمون‌های ناهمگنی

	آزمون Q کوکران				
	BODIN	SSB	BODSZ	DUAL	AUDIT
Q-value	**۲۲/۵۷۹	***۱۳۵۶/۹۷۳	***۲۹۷/۸۲۴	***۳۰/۲۸۹	***۴۹۱/۹۵۰
درجه آزادی Q	۱۱	۲۸	۲۵	۱۱	۱۳
P-value	۰/۰۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰

*** p<0/01 ** p<0/05 * p<0/1 منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

فرضیه H0 در آزمون Q کوکران، همگنی مطالعات و فرضیه H1 ناهمگنی مطالعات را نشان می‌دهد (کوکران، ۱۹۵۴). با توجه به مقدار (P-value)، گزارش‌شده برای پنج متغیر در جدول (۲)، فرضیه H0 این آزمون در سطح معناداری ۵ درصد رد می‌شود و فرضیه ناهمگنی مطالعات تأیید می‌شود. بنابراین، نتایج این آزمون نشان می‌دهد که مطالعات منفرد واردشده در فراتحلیل، ناهمگن می باشند و در برآورد اندازه اثر متوسط، باید مدل اثرات تصادفی را مدنظر قرار داد.

نتایج ترکیب مطالعات

در این بخش، که مهم‌ترین بخش از فرایند فراتحلیل است، نتایج حاصل از ترکیب و برایند اندازهٔ اثر مطالعات بیان می‌شود. جدول (۳)، نتایج مربوط به ترکیب اندازه اثرات مطالعات منفرد و محاسبهٔ اندازه اثر متوسط را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج ترکیب مطالعات

متغیر	تعداد مطالعات	مجموع تعداد ضرایب مطالعات	اندازه اثر متوسط	فاصله اطمینان ۹۵٪	Z-value	P-value
BODIN	۶	۱۲	**۰/۰۷۶	۰/۰۰۴_۰/۱۴۸	۲/۰۶۷	۰/۰۳۸
SSB	۱۲	۲۹	***۰/۲۷۰	۰/۱۱۸_۰/۴۱۱	۳/۴۲۰	۰/۰۰۰
BODSZ	۱۳	۲۶	**۰/۰۹۲	۰/۰۱۴_۰/۱۷۰	۲/۳۰۴	۰/۰۲۱
DUAL	۶	۱۲	**۰/۰۶۳	۰/۰۰۰۱_۰/۱۲۶	۱/۹۷	۰/۰۴۹
AUDIT	۵	۱۴	**۰/۳۵۳	۰/۰۱۲_۰/۶۲۰	۲/۰۲۸	۰/۰۴۲

*** p<0/01 ** p<0/05 * p<0/1 منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

www.SID.ir

ترکیب اندازهٔ اثرهای مطالعات منفرد، اندازهٔ اثر متوسط را گزارش می‌کند. با استفاده از اندازهٔ اثر متوسط، می‌توان شدت و جهت رابطهٔ بین متغیرهای مورد بررسی فراتحلیل را مشخص کرد. علامت مثبت اندازهٔ اثر متوسط، برای هر پنج متغیر مربوط به سازوکارهای حاکمیت شرکتی، این‌گونه تفسیر می‌شود که هریک از این متغیرها، با عملکرد مالی بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی رابطهٔ مثبت (مستقیم) دارد. براساس آماره‌های Z و P گزارش‌شده، این پنج رابطه معنادار می‌باشند. برای بررسی شدت روابط، از معیار تفسیر کوهن که در جدول (۴) مطرح شده، می‌توان استفاده نمود.

جدول ٤: معیار کوهن برای تفسیر کاربردی اندازه اثر

اندازه اثر متوسط	تفسیر
۰/۱۰	کوچک
۰/۳۰	متوسط
۰/۵۰	بزرگ
۰/۷۰	خیلی بزرگ

منبع: کوهن (۱۹۸۸)

با توجه به اطلاعات این جدول و اندازهٔ اثر متوسط مربوط به هر متغیر، شدت روابط طبق جدول (۵)، مشخص می‌شود.

جدول ۵: تفسیر شدت اندازه اثر متوسط

رابطه	اندازه اثر متوسط	تفسیر بر اساس معیار کوهن
رابطهٔ بین BODIN و FINAN	۰/۱۰SES<	شدت رابطهٔ بین دو متغیر کوچک است.
رابطهٔ بین SSB و FINAN	۰/۳۰SES<	شدت رابطهٔ بین دو متغیر متوسط رو به پایین است.
رابطهٔ بین BODSZ و FINAN	۰/۱۰SES<	شدت رابطهٔ بین دو متغیر کوچک است.
رابطهٔ بین DUAL و FINAN	۰/۱۰SES<	شدت رابطهٔ بین دو متغیر کوچک است.
رابطهٔ بین AUDIT و FINAN	۰/۳۰SES>	شدت رابطهٔ بین دو متغیر متوسط رو به بالا است.

منبع: یافته‌های پژوهش

اندازهٔ اثرهای متوسط گزارش‌شده در جدول (۳) و تفسیر مربوط به آن در جدول (۵)، نشان می‌دهد که پنج فرضیه این پژوهش؛ یعنی:

- بین استقلال اعضای هیئت مدیره و عملکرد مالی بانک‌های اسلامی رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد.
- وجود هیئت نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی، با عملکرد مالی آنها ارتباط مثبت و معناداری دارد.
- تعداد اعضای هیئت مدیره با عملکرد مالی بانک‌های اسلامی، ارتباط مثبت و معناداری دارد.
- دوگانگی نقش مدیرعامل (مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره نیز باشد)، عملکرد مالی بانک‌های اسلامی را بهبود می‌بخشد.

www.SID.ir

ـ حسابرسی با عملکرد مالی بانک‌های اسلامی، رابطهٔ مثبت و معناداری دارد. که براساس مبانی نظری ارائه‌شده بود، تأیید می‌شود.

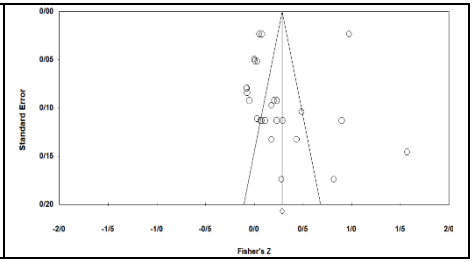
بنابراین، اگر بانک‌های اسلامی نسبت بیشتری از مدیران مستقل در هیئت مدیره، داشته باشند؛ هیئت نظارت شرعی در آنها وجود داشته باشد؛ تعداد مدیران بیشتری در هیئت مدیره مشغول باشند؛ مدیرعامل، هم‌زمان رئیس هیئت مدیره باشد؛ حسابرسی داخلی و خارجی اعمال شود، عملکرد مالی بهتری خواهند داشت.

نمودار قیفی (Funnel Plot) و بررسی تورش انتشار (Publication bias)

تورش انتشار، نوعی سوگیری است که در تحقیقات دانشگاهی منتشرشده رخ می‌دهد و زمانی اتفاق می‌افتد که نتیجهٔ یک آزمایش، یا مطالعه تحقیقاتی بر تصمیم‌گیری دربارهٔ انتشار و چاپ آن تأثیر بگذارد (سونگ و همکاران، ۲۰۱۰). مطالعاتی که اندازهٔ اثرهای بزرگ‌تر و معناداری را گزارش می‌کنند، احتمال چاپ بیشتری در مجلات دارند. این امر ممکن است موجب عدم انتشار مطالعات، با اندازه اثرهای کوچک و بی‌معنا از سوی نویسندگان شود. این مشکل، می‌تواند نتایج مطالعات منفرد را دچار تورش و خطا کند. اگر تورش در نتایج مطالعات منفرد شدید باشد، نتایج فراتحلیل به دلیل استفاده از این مطالعات خدشه‌دار می‌شود و اعتبار فراتحلیل زیرسؤال می‌رود. برای بررسی این موضوع، در مطالعات فراتحلیل نمودار قیفی و آزمون تورش انتشار مطرح می‌شود.

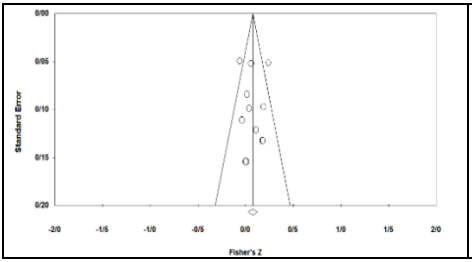
نمودار قیفی، شبیه قیفی است که در بخش بزرگ آن اندازه اثر مطالعاتی با حجم نمونه کم و خطای معیار بالا قرار دارند و در بخش کوچک قیف، اندازه اثر مطالعاتی، با حجم نمونه بزرگ و خطای معیار کوچک‌تر قرار می گیرد. در وسط قیف هم مطالعاتی با اندازهٔ اثر متوسط قرار دارد (نوغانی دخت بهمنی و میرمحمدتبار، ۱۳۹۶، ص۱۱۲). تقارن اندازه اثر مطالعات در سمت چپ و راست نمودار قیفی، بیانگر عدم وجود تورش انتشار است. عدم تقارن نمودار قیفی، به این معناست که فراتحلیل دچار تورش ناشی از انتشار شده است.

نمودار ۱: نمودار قیفی مربوط به فراتحلیل رابطهٔ بین SSB و FINAN



منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

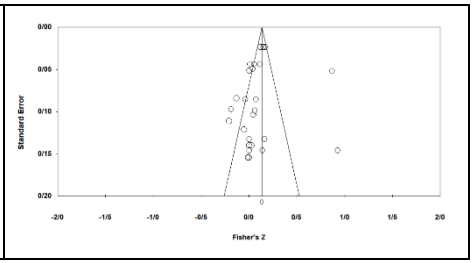
نمودار ۲: نمودار قیفی مربوط به فراتحلیل رابطهٔ بین BODIN و FINAN



منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

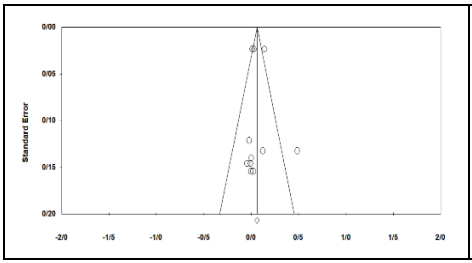
www.SID.ir

نمودار ٣: نمودار قیفی مربوط به فراتحلیل رابطهٔ بین BODSZ و FINAN



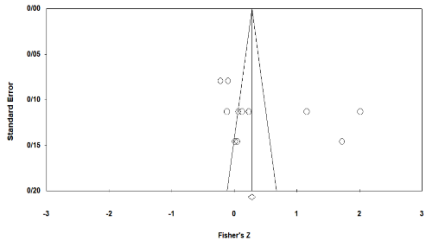
منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

نمودار ٤: نمودار قیفی مربوط به فراتحلیل رابطهٔ بین DUAL و FINAN



منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

نمودار ٥: نمودار قیفی مربوط به فراتحلیل رابطهٔ بین AUDIT و FINAN



منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

در نمودارهای (١،٢،٣،٤و٥)، محور افقی اندازه اثر استانداردشده (Z فیشر) و محور عمودی، خطای معیار مربوط به اندازه اثر را نشان می‌دهد. هریک از دایره‌های کوچک نیز نشان‌دهندهٔ اندازه اثر مربوط به هر مطالعه است. خط وسط قیف، مربوط به اندازه اثر متوسط فراتحلیل است. بررسی کلی این نمودارها، بیانگر این موضوع است که نمودارهای ٢،١و٤، متقارن و نمودارهای ٣و٥ نسبتاً متقارن می‌باشد. اما برای بررسی کمّی و دقیق تقارن و تورش انتشار، نمودارهای قیفی کافی نیست و باید آزمون مربوط به بررسی تقارن و تورش انتشار انجام پذیرد.

آزمون اِگِر (Egger Test)

برای بررسی کمّی تورش، انتشار در این فراتحلیل از آزمون اِگِر استفاده می‌شود. نتایج مربوط به این آزمون، در جدول (۶) قابل مشاهده است.

جدول ٦: نتایج آزمون تورش انتشار

آزمون اگر					
	BODIN	SSB	BODSZ	DUAL	AUDIT
عرض از مبدأ	٠/١٠٧	-٠/٩٦٨	-٠/٩٠٣	٠/٠٤٤	١٢/٨٠١
خطای معیار	١/٠٧٦	٢/١٧٢	١/١٥٨	٠/٧٢٦	٨/٥٠٢
فاصله اطمینان ٩٥٪	-٢/٢٩٠_٢/٥٠٥	-٥/٤٢٦_٣/٤٨٨	-٣/٢٩٤_١/٤٨٨	-١/٥٧٣_١/٦٦٢	-٥/٧٢_٣١/٣٢
t-value	٠/٠٩٩	٠/٤٤٥	٠/٧٧٩	٠/٠٦١	١/٥٠٥
p-value	٠/٩٢٢	٠/٦٥٩	٠/٤٤٣	٠/٩٥٢	٠/١٥٨

www.SID.ir

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

جدول (۶)، نتایج تخمین رگرسیون اِگِر را نشان می‌دهد. فرضیه H0 در این آزمون، نشان می‌دهد که پراکندگی اندازهٔ اثرهای مطالعات منفرد متقارن است. فرضیه H1، عدم تقارن پراکندگی اندازه اثرهای مطالعات منفرد را بیان می‌کند (اِگِر و همکاران، ۱۹۹۶). با توجه به نتایج جدول فوق، فرضیه H0 (تقارن داده‌ها و عدم تورش انتشار)، این آزمون برای هر پنج رابطه مورد بررسی تأیید می‌شود. بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که فراتحلیل این پژوهش، دچار تورش ناشی از انتشار نشده است و نتایج آن از اعتبار بالایی برخوردار است.

محدودیت‌های مطالعه

مانند هر فراتحلیل، این مطالعه نیز با محدودیت هایی روبه‌رو بوده است. برخی از این محدودیت ها، در مطالعات منفرد ذاتی است. برای نمونه، تلاش برای ردیابی اعتبار داده‌ها و استراتژی‌های تحلیلی مورد استفاده در مطالعات منفرد، بسیار مشکل است. علاوه بر این، بررسی سیستماتیک پایگاه های اطلاعاتی برای موضوع حاکمیت شرکتی، با محدودیت‌های به شرح زیر همراه است:

فقدان یک پایگاه ثابت و شواهد منظم، تحقیقات حاکمیت شرکتی، مربوط به بانک‌های اسلامی را با محدودیت مواجه می‌کند. اکثر مطالعات منفرد، حجم نمونهٔ کمی دارند. اگر تلاش‌های آینده، سعی در ایجاد یک پایگاه داده دقیق و قابل اعتماد با داده های حاکمیت شرکتی برای بانک های اسلامی در سراسر جهان داشته باشد، مطالعات این حوزه توسعه خواهد یافت.

طی دو دههٔ گذشته، بانک‌های اسلامی مورد توجه زیادی قرار گرفته‌اند و تحقیقات دانشگاهی، به طور فزاینده‌ای تلاش کرده تا درک کند که تفاوت این بانک‌ها، با همتایان متعارف آنها چیست. با این حال، بیشتر تلاش‌ها برای مقایسه بین بانک‌داری اسلامی و بخش‌های متعارف بانکی انجام شده است، درحالی‌که مقالات محققان با تمرکز صرف بر بانک‌های اسلامی، به ندرت در مجلات برتر ظاهر می‌شوند. موضوع حاکمیت شرکتی در سایهٔ چنین چالشی قرار دارد و این امر، سبب محدودیت تعداد مطالعات منفرد برای ورود به فراتحلیل می‌شود.

ایجاد یک پایگاه داده حاکمیت شرکتی اسلامی، تمرکز واحد بر تجزیه و تحلیل تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بخش بانک‌داری اسلامی، می‌تواند ازجمله اقدامات پژوهشی آتی باشد.

نتیجه‌گیری

حاکمیت شرکتی بانک‌های اسلامی، ایجاد اطمینان از اجرای انصاف برای کلیه ذی‌نفعان از طریق اجرای قانون شریعت فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، ویژگی اصلی حاکمیت شرکتی یک بانک اسلامی، هدایت با

www.SID.ir

اصول اقتصاد اسلامی و اطمینان از رعایت شرع است. ازاین‌رو، بررسی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و اثرگذاری آن بر عملکرد بانک‌های اسلامی اهمیت می‌یابد. همچنین، بررسی مطالعات پیشین در حوزهٔ حاکمیت شرکتی، نتایج متفاوتی را در مورد تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها ارائه می‌دهد. در این راستا، این مطالعه با استفاده از روش فراتحلیل، ناهمگنی و تفاوت موجود در نتایج مطالعات قبلی را در نظر گرفت و با انجام پنج فراتحلیل، به بررسی روابط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک‌های اسلامی پرداخت. اندازهٔ اثرهای متوسط مربوط به پنج رابطه مورد تحلیل در این مطالعه، پنج فرضیهٔ تعریف‌شده براساس مبانی نظری، یعنی ۱. بین استقلال اعضای هیئت‌مدیره و عملکرد مالی بانک‌های اسلامی، رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد؛ ۲. وجود هیئت نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی، با عملکرد مالی آنها، ارتباط مثبت و معناداری دارد؛ ۳. اندازهٔ هیئت مدیره با عملکرد مالی بانک‌های اسلامی، ارتباط مثبت و معناداری دارد؛ ۴. دوگانگی نقش مدیرعامل (مدیرعامل رئیس هیئت مدیره نیز باشد)، می‌تواند عملکرد مالی بانک‌های اسلامی را بهبود می‌بخشد؛ ۵. حسابرسی با عملکرد مالی بانک‌های اسلامی، رابطه مثبت و معناداری دارد ـ را تأیید کرد. بنابراین، اگر بانک‌های اسلامی، نسبت بیشتری از مدیران مستقل در هیئت مدیره، داشته باشند و هیئت نظارت شرعی نیز در آنها وجود داشته باشد؛ همچنین تعداد مدیران بیشتری در هیئت مدیره مشغول باشند و مدیرعامل، همزمان رئیس هیئت مدیره باشد و حسابرسی داخلی و خارجی اعمال شود، عملکرد مالی بهتری دارند. همچنین، براساس نتایج آزمون اگر به همراه گزارش نمودار قیفی، عدم وجود تورش انتشار و اعتبار نتایج فراتحلیل تأیید شد.

پیوست

جدول ۷: اطلاعات مربوط به مطالعات منفرد وارد شده به فراتحلیل

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	نمونه	دوره زمانی	متغیرهای مربوط به عملکرد مالی	متغیرهای مربوط به سازوکارهای حاکمیت شرکتی
۱	Naji Mansour Nomran, Razali Haron, Rusni Hassan,	۲۰۱۷	۱۵ بانک اسلامی در مالزی	۲۰۱۵ – ۲۰۰۸	ROA-ROE-ROIAE	SSB
۲	Naji Mansour Nomran and Razali Haron	۲۰۱۹	۴۵ بانک اسلامی از ۷ کشور (۳ کشور جنوب شرقی آسیا و ۵ کشور شورای همکاری خلیج فارس)	۲۰۱۵ – ۲۰۰۷	ROA-ZOE	SSB-BODSZ-BODIN
۳	Rihab Grassa	۲۰۱۶	۴۳ بانک اسلامی	۲۰۱۱ – ۲۰۰۵	ROA	SSB-BODSZ-BODIN

www.SID.ir

٤	Imran Khan and Syeda Nitasha Zahid	۲۰۱۹	۷۹ بانک اسلامی ۱۷ کشور آسیایی	۲۰۱٦ – ۲۰۱۱	ROA	SSB-BODSZ-BODIN
٥	Al-Manaseer, Al-Hindawi, Al-Dahiyat & Sartawi	۲۰۱۲	۱٥ بانک اسلامی	۲۰۰۹ – ۲۰۰۷	ROA-ROE	DUAL-BODSZ-BODIN
٦	Samir Srairi	۲۰۱٥	۲۷ بانک اسلامی در ٥ کشور عربی	۲۰۱۳ – ۲۰۱۱	ROA-ROE-Q TOBIN	AUDIT- SSB
۷	By Ibrahim Elsiddig Ahmed	۲۰۱۷	٥ کشور اسلامی در امارات	۲۰۱٦ – ۲۰۱۱	ROA-ROE	DUAL-BODSZ-BODIN- SSB
۸	Rihab Grassa	۲۰۱٦	۷۲ بانک اسلامی در ٥ کشور شورای همکاری خلیج فارس	۲۰۱۱ – ۲۰۰٦	ROA	SSB
۹	Chaouki Bourakba	۲۰۱٤	کشورهای منطقه GCC	۲۰۱۲ – ۲۰۰٥	ROA	SSB-BODSZ
۱۰	Syed Amaar Ali Ausat	۲۰۱۸	۱۲ بانک اسلامی در کشورهای مختلف	۲۰۱۷ – ۲۰۱۳	ROA-ROE	DUAL-BODSZ-BODIN- SSB
۱۱	Hana Ajili, Abdelfettah Bouri	۲۰۱۸	٤٤ بانک اسلامی از ٦ کشور شورای خلیج فارس	۲۰۱٤ – ۲۰۱۰	ROA-ROE	AUDIT- SSB
۱۲	اردشیر شیری، رویا اشراقی سامانی، یادگار محمدی، غلامرضا جعفری نیا	۱۳۹٥	بانک‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران	۱۳۹۳ – ۱۳۸۸	ROA-ROE	DUAL-BODSZ
۱۳	Shorouq Tomar & Adel Bino	۲۰۱۲	۱٤ بانک اسلامی	۲۰۰٦ – ۱۹۹۷	ROA-ROE	BODSZ
۱٤	Mahir Alman	۲۰۱۲	۸۲ بانک اسلامی از ۱۳ کشور	۲۰۱۰ – ۲۰۰۰	ROA	BODSZ
۱٥	Khuram Shahzad Bukhari, Hayat M. Awan, Faareha Ahmed	۲۰۱۳	٥ بانک اسلامی و ۱۲ بانک متعارف ارائه‌دهندهٔ تسهیلات بانکی اسلامی از پاکستان	۲۰۱۳	ROA	BODSZ-AUDIT- SSB
۱٦	Ali R. Almutairi, Majdi Anwar Quttainah	۲۰۱٦	۸۲ بانک از ۱٥ کشور جهان	۲۰۱٤ – ۱۹۹۳	ROA-ROE-Q TOBIN	DUAL-BODSZ-SSB
۱۷	Mohamed A. Basuony, Ehab K. A. Mohamed, Ahmed M Al-Baidhani	۲۰۱٤	بانک‌های اسلامی یمن و ٦ کشور شورای همکاری خلیج فارس	۲۰۱۱	ROA-Q TOBIN	DUAL-BODSZ-AUDIT

منبع: اطلاعات پژوهش

www.SID.ir

منابع

تقی نتاج، غلامحسن، جمال بحری ثالث و قدرت قادری، ۱۳۹۷، «تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌ها با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت افشاء»، ***مطالعات مالی و بانکداری اسلامی***، دوره چهارم، ش ۸، ص ۱۲۷ـ۱۵۱.

رحیمیان، نظام‌الدین، حمید محمدی و معصومه صالحی‌راد، ۱۳۹۲، «نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی در عملکرد بانک‌ها»، ***بررسی‌های حسابداری***، دوره اول، ش ۱، ص ۹۷ـ۱۱۹.

شیری، اردشیر و همکاران، ۱۳۹۵، «بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر سودآوری بانک‌ها (مطالعه موردی: بانک‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران)»، ***پژوهش‌های مدیریت و حسابداری***، ش ۳۱، ص ۵۵ـ۷۷.

نوغانی دخت بهمنی، محسن و سیداحمد میرمحمدتبار، ۱۳۹۶، ***فراتحلیل مبانی و کاربردها***، مشهد، دانشگاه فردوسی.

Abu-Tapanjeh, A. M., 2009, "Corporate governance from the Islamic perspective: A comparative analysis with OECD principles", ***Critical Perspectives on accounting***, N. 20(5), p. 556-567.

Adnan, M. A., Htay, S. N. N., Rashid, H. M. A., & Meera, A. K. M., 2011, "A panel data analysis on the relationship between corporate governance and bank efficiency", ***Journal of Accounting***, N. 1(1), p. 1-15.

Agrawal, A., & Knoeber, C. R., 1996, "Firm performance and mechanisms to control agency problems between managers and shareholders", ***Journal of financial and quantitative analysis***, N. 31(3), p. 377-397.

Ahmed, I. E., 2017, "The impact of corporate governance on Islamic banking performance: The case of UAE Islamic banks", ***Journal of Banking & Finance***, N. 9(9), p. 1-10.

Ajili, H., & Bouri, A., 2018, "Corporate governance quality of Islamic banks: measurement and effect on financial performance", ***International Journal of Islamic and Middle Eastern finance and management***.

Alchian, A. A., & Demsetz, H., 1972, "Production, information costs, and economic organization", ***The American economic review***, N. 62(5), p. 777-795.

Alman, M., 2012, "Shari'ah supervisory board composition effects on Islamic banks' risk-taking behavior", ***Journal of Banking Regulation***, N. 14(1), p. 134-163.

Al-Manaseer, M. F. A., Al-Hindawi, R. M., Al-Dahiyat, M. A., & Sartawi, I. I., 2012, "The impact of corporate governance on the performance of Jordanian banks", ***European Journal of Scientific Research***, N. 67(3), p. 349-359.

Al-Musalli, M. A. K., & Ismail, K. N. I. K., 2012, "Corporate governance, bank specific characteristics, banking industry characteristics, and intellectual capital (IC) performance of banks in arab gulf cooperation council (GCC) countries", ***Asian Academy of Management Journal of Accounting & Finance***, N. 8, p. 115-135.

Almutairi, A. R., & Quttainah, M. A., 2017, "Corporate governance: evidence from Islamic banks", ***Social Responsibility Journal***, N. 13(3), p. 601-624.

Anderson, R. C., Mansi, S. A., & Reeb, D. M., 2004, "Board characteristics, accounting report integrity, and the cost of debt", ***Journal of accounting and economics***, N. 37(3), p. 315-342.

Aslam, E., & Haron, R., 2020, ***Does corporate governance affect the performance of Islamic banks? New insight into Islamic countries***, Corporate Governance: The International Journal of Business in Society.

www.SID.ir

Ausat, S. A. A., 2018, "The Relationship between Corporate Governance and Financial Performance in Islamic Banks", ***Jurnal Ekonomi & Studi Pembangunan***, N. 19(2), p. 91-100.

Basuony, M., & Ehab, K. A., 2015, The effect of corporate governance on bank financial performance: Evidence from the Arabian Peninsula. Ahmed, The Effect of Corporate Governance on Bank Financial Performance: Evidence from the Arabian Peninsula.

Borenstein, M., Hedges, L. V., Higgins, J. P., & Rothstein, H. R., 2011, ***Introduction to meta-analysis***, John Wiley & Sons.

Bourakba, C., 2014, "The Impact of Corporate Governance in the Financial Performance of Islamic Banks: Evidence From the GCC Region", ***Journal of US-China Public Administration***, N. 11(8), p. 633-641.

Bukhari, K. S., Awan, H. M., & Ahmed, F., 2013, "An evaluation of corporate governance practices of Islamic banks versus Islamic bank windows of conventional banks: A case of Pakistan", ***Management Research Review***, N. 36(4), p. 400-416.

Cohen, J., 1988, "The effect size index: d", ***Statistical power analysis for the behavioral sciences***, N. 2(1), p. 77-83.

DeAngelo, L. E., 1981, "Auditor size and audit quality", ***Journal of accounting and economics***, N. 3(3), p. 183-199.

Egger, M., Smith, G. D., Schneider, M., & Minder, C., 1997, "Bias in meta-analysis detected by a simple, graphical test", ***Bmj***, N. 315(7109), p. 629-634.

Eisenberg, T., Sundgren, S., & Wells, M. T., 1998, "Larger board size and decreasing firm value in small firms", ***Journal of financial economics***, N. 48(1), p. 35-54.

Forker, J. J., 1992, "Corporate governance and disclosure quality", ***Accounting and Business research***, N. 22(86), p. 111-124.

Fuzi, S. F. S., Halim, S. A. A., & Julizaerma, M. K., 2016, "Board independence and firm performance", ***Procedia Economics and Finance***, N. 37, p. 460-465.

Glass, G. V., 1976, "Primary, secondary, and meta-analysis of research", ***Educational researcher***, N. 5(10), p. 3-8.

Grassa, R., & Chakroun, R., 2016, "Ownership structure, board's characteristics and corporate governance disclosure in GCC banks: what about Islamic banks?", ***International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation***, N. 12(4), p. 360-395.

Grassa, R., 2016, "Corporate governance and credit rating in Islamic banks: does Shariah governance matters?", ***Journal of Management & Governance***, N. 20(4), p. 875-906.

Haniffa, R., & Hudaib, M., 2006, "Corporate governance structure and performance of Malaysian listed companies", ***Journal of Business Finance & Accounting***, N. 33(7-8), p. 1034-1062.

Hassan, M. K., & Mollah, S., 2014, "Corporate Governance, Risk Taking and Firm Performance of Islamic Banks during Global Financial Crisis", in ***Finance and Development in Islamic Economies Conference***, p. 1_36.

Jensen, M. C., 1993, "Self-interest, altruism, incentives, and agency theory", ***Journal of applied corporate finance***, N. 7(2), p. 40-45.

Khan, I., & Zahid, S. N., 2020, The impact of Shari'ah and corporate governance on Islamic banks performance: evidence from Asia. International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management.

www.SID.ir

Larcker, D. F., Richardson, S. A., & Tuna, I. R., 2007, "Corporate governance, accounting outcomes, and organizational performance", ***The accounting review***, N. 82(4), p. 963-1008.

Li, Y., Armstrong, A., & Clarke, A., 2014, "Relationships of corporate governance mechanisms and financial performance in Islamic banks: a meta-analysis", ***Journal of Law and Governance***, N. 9(1), p. 50-63.

Lipton, M., & Lorsch, J. W., 1992, "A modest proposal for improved corporate governance", ***The business lawyer***, N. 48(1), p. 59-77.

Magalhaes, R., & Al-Saad, S., 2013, ***Corporate governance in Islamic financial institutions: the issues surrounding unrestricted investment account holders***, Corporate Governance: The international journal of business in society.

Malik, M. S., & Makhdoom, D. D., 2016, ***Does corporate governance beget firm performance in fortune global 500 companies?***, Corporate Governance.

Morck, R., Shleifer, A., & Vishny, R. W., 1988, "Management ownership and market valuation: An empirical analysis", ***Journal of financial economics***, N. 20, p. 293-315.

Nasution, N., & Nasrizal, N., 2020, "The Influence of Islamic Corporate Governance Towards Financial Performance (Empirical Study on Sharia Commercial Banks in Indonesia Year 2013-2017)", ***Indonesian Journal of Economics, Social, and Humanities***, N. 2(2), p. 79-90.

Nomran, N. M., & Haron, R., 2019, Dual board governance structure and multi-bank performance: a comparative analysis between Islamic banks in Southeast Asia and GCC countries. Corporate Governance: The International Journal of Business in Society.

Nomran, N. M., Haron, R., & Hassan, R., 2018, Shari'ah supervisory board characteristics effects on Islamic banks' performance. International Journal of Bank Marketing.

Quttainah, M. A., 2016, "Corporate Governance: Evidence From Islamic Banks", in ***Academy of Management Proceedings*** (Vol. 2016, No. 1, p. 12022), Briarcliff Manor, NY 10510, Academy of Management.

Sarkar, J., Sarkar, S., & Sen, K., 2012, ***A corporate governance index for large listed companies in India***, Pace University Accounting Research Paper.

Song, F., Parekh, S., Hooper, L., Loke, Y. K., Ryder, J., Sutton, A. J., ... & Harvey, I., 2010, "Dissemination and publication of research findings: an updated review of related biases", ***Health Technol Assess***, N. 14(8), p. 1-193.

Srairi, S., 2015, "Corporate governance disclosure practices and performance of Islamic banks in GCC countries", ***Journal of Islamic Finance***, N. 4(2).

Tomar, S., & Bino, A., 2012, "Corporate governance and bank performance: evidence from Jordanian banking industry", ***Jordan Journal of Business Administration***, N. 8(2), p. 353-372.

Tomar, S., & Bino, A., 2012, "Corporate governance and bank performance: evidence from Jordanian banking industry", ***Jordan Journal of Business Administration***, N. 8(2), p. 353-372.

Yermack, D., 1996, "Higher market valuation of companies with a small board of directors", ***Journal of financial economics***, N. 40(2), p. 185-211.

www.SID.ir